



ساختار مالی قراردادهای مشارکت در تولید؛ مطالعه‌ی موردی در اندونزی و پرو

سرمایه و فن آوری دو مقوله‌ی مهم در توسعه‌ی صنعت نفت هستند. از آنجا که اغلب میادین نفتی در کشورهای در حال توسعه قرار دارد، فقدان این دو عنصر اساسی سبب بروز مشکلاتی برای این کشورها شده است. به همین دلیل نیز قراردادهای مشارکت در تولید برای کشورهای در حال توسعه به عنوان ابزاری جهت جذب این دو عامل مهم از فراسوی مرزها تلقی می‌شود. با توجه به مقبولیت جهانی قراردادهای مشارکت در تولید، در مقاله‌ی حاضر ساختار مالی این نوع قراردادها بر اساس مطالعه‌ی موردی که در اندونزی و پرو انجام شده مورد بررسی قرار گرفته است. طی این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رجوع به منابع اصیل حقوق نفت، ابتدا قرارداد مشارکت در تولید بررسی و سپس ساختار مالی آن واکاوی شده است.

واژگان کلیدی: قراردادهای نفتی، قرارداد مشارکت در تولید، ساختار مالی، اندونزی، پرو

مقدمه

با توجه رواج قرارداد مشارکت در تولید در سطح دنیا، همچنین مطالعات فراوان انجام شده و نظرات متفاوتی که در خصوص این نوع قرارداد وجود دارد موارد ارائه شده در این مقاله تنها عقاید نویسندگان می‌باشد. توسعه‌ی میادین نفتی و بهره‌مندی از این موهبت الهی نیازمند سرمایه و فن آوری با صرفه است. از آنجا که اغلب منابع نفتی در کشورهای در حال توسعه قرار دارد و این کشورها نیز با فقدان فن آوری و سرمایه روبرو هستند نیاز به این مهم دوچندان شده است. برخلاف این تصور که جذب سرمایه

امتیازی، قراردادهای مشارکتی و قراردادهای خدماتی (پیمانکاری) تقسیم‌بندی می‌شوند. در روش ترتیبات امتیازی که قدیمی‌ترین روش مورد استفاده است یک شرکت نفتی با دریافت انحصار اکتشاف و استخراج و تحمل مطلق ریسک، مالک نفت در نقطه‌ی سرچاه است و به دولت طرف قرارداد، مالیات و بهره‌ی مالکانه پرداخت می‌کند [۱۹]. قراردادهای مشارکتی ناشی از مشارکت یک شرکت با دولت، به مالکیت مشترک طرفین بر نفت تولیدی منتهی می‌شود. در این روش، تأمین هزینه و ریسک قرارداد برعهده‌ی دو طرف است [۸]. پس از تلاش کشورها برای

و فن آوری خارجی تنها مربوط به کشورهای ضعیف است و نیز با توجه به رویکرد بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته در جذب این دو عامل جهت بهره‌برداری از منابع خود می‌توان گفت جذب سرمایه و فن آوری نشانگر ضعف نیست بلکه یکی از راهکاری توسعه‌ی سریع است. با توجه به ملی بودن منابع نفت ایران و اینکه در قوانین برنامه‌ی چهارم و پنجم توسعه، وزرات نفت اجازه‌ی استفاده از انواع روش‌های قراردادی جذب سرمایه‌گذار خارجی را دارد، بررسی انواع این روش‌ها ضروری به نظر می‌رسد. به‌طور کلی قراردادهای نفتی به ترتیبات

کنترل بر منابع خود و ملی شدن صنعت نفت، حاکمیت و مالکیت ملی مانع از به کارگیری روش‌های امتیازی و مشارکتی شد و مهم‌ترین نگرانی کشورها برای توسعه‌ی میادین، فقدان فن‌آوری و نیاز مالی بود. به‌منظور رفع این دغدغه، سیستم قراردادهای خرید خدمت، به‌عنوان تنها راه حل کشورها برای جذب تخصص و تأمین مالی پروژه‌های نفتی معرفی شد [۱۱]. در سیستم خرید خدمت، دولت مالک منابع و شرکت نفتی مستحق دریافت بخشی از نفت یا درآمد است [۹]. یکی از مصادیق این سیستم، مشارکت در تولید است. مشارکت در تولید روشی است که با وجود ملی شدن منابع نفتی، امکان سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم کرده است [۷]. نگارنده‌ی این مقاله در پی پاسخ این سؤال است که در صنعت نفت ایران چه موانعی برای تحقق مشارکت در تولید وجود دارد؟ به‌نظر می‌رسد عدم درک صحیح قرارداد مشارکت در تولید از یک‌سو و وجود ممنوعیت‌های قانونی از سوی دیگر، مانع اجرای این روش باشد. برای این موضوع پیشینه‌ی قابل‌قبولی یافت نشده است. مسعود امانی در کتاب حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت، مشارکت در تولید را به‌صورت کلی شرح داده است. علاوه بر این چند پایان‌نامه در این موضوع و یک پایان‌نامه در موضوع تطبیق انواع قراردادها با بند ب ماده‌ی ۱۴ قانون برنامه‌ی چهارم دفاع شده که ضعف‌های فراوانی داشته است. بنابراین در این پژوهش سعی خواهد شد با روش توصیفی-تحلیلی و با رجوع به منابع اصیل حقوق نفت، ابتدا قرارداد مشارکت در تولید بررسی شده و سپس ساختار مالی این نوع قرارداد بر اساس تجارب کشورهای پرو و اندونزی مورد سنجش قرار گیرد.

۱- بررسی قرارداد مشارکت در تولید

مشارکت در تولید، ترجمه‌ی اصطلاح production sharing است که با توجه به

ماهیت این قرارداد به‌نظر می‌رسد ترجمه‌ی sharing به مشارکت صحیح نباشد؛ چراکه درک نادرست بسیاری از مدیران، ناشی از آن است که گمان می‌کنند این نوع قرارداد در ذیل قراردادهای مشارکتی است [۲۴ و ۲۵]. بنابراین ترجمه‌ی "تقسیم تولید" مناسب‌تر از ترجمه‌ی "مشارکت در تولید" به‌نظر می‌رسد. با این وجود به‌دلیل کثرت استفاده از عبارت مشارکت در تولید، در مقاله‌ی حاضر نیز به این عبارت عرفی (اگرچه آن‌را نادرست می‌دانیم) پایبند خواهیم بود.

مشارکت در تولید روشی است که قبل از استفاده در صنعت نفت، در بخش کشاورزی استفاده شده است. اندیشه‌ی استفاده از قرارداد مشارکت در تولید ریشه در قانون معادن هند-هلند دارد که پس از تصویب در ۱۸۹۹، اجازه‌ی اعطای امتیاز در مقابل دریافت بخشی از نفت و بهره‌ی مالکانه داده شده بود. پس از استقلال اندونزی و در دوران ریاست جمهوری ژنرال سوهارتو، اندونزی قرارداد مشارکت در تولید را بنیان نهاد [۱۸] و در ۱۹۶۶ برای نخستین بار از مشارکت در تولید به‌شکل کنونی آن استفاده کرد [۴]. از ۱۹۶۶ تا ۲۰۰۸ مشارکت در تولید، پنج نسل به‌خود دیده که عمده‌ی تحولات این نسل‌ها مربوط به رژیم مالی بوده است [۲۳]. در این تحولات شش اصل بر قراردادهای مشارکت در تولید حاکم بوده که عبارتند از:

- ریسک ناشی از عدم تولید تجاری بر عهده‌ی پیمانکار است
- تأمین مالی پروژه بر عهده‌ی پیمانکار است
- دولت، مالک نفت تولیدی است و پیمانکار تحت نظارت او انجام تکلیف می‌کند
- تمامی تجهیزات و سازه‌ها تحت مالکیت دولت میزبان است
- استهلاک هزینه‌ها از طریق دریافت تمام یا بخشی از نفت تولیدی است
- پس از کسر هزینه‌ها، نفت تولیدی میان

دولت و شرکت تقسیم می‌شود [۵]

در تعریف مشارکت در تولید اینچنین یک آمده: یک توافق قراردادی است که میان یک دولت به‌عنوان طرف اول و یک شرکت نفتی یا کنسرسیومی از شرکت‌ها به‌عنوان طرف دوم (که باید واجد تخصص و صلاحیت لازم باشد [۱۷]) منعقد می‌شود. در کشورهای در حال توسعه معمولاً طرف اول، شرکت ملی نفت یا وزارت نفت است یا در برخی مدل‌های سوریه و مصر شرکت ملی نفت و وزارت نفت همراه با یکدیگر، طرف اول هستند [۱۰]. بر این اساس طرف دوم (به‌عنوان پیمانکار) از طرف اول، مجوز انحصاری اکتشاف و استخراج نفت را برای دوره‌ای معین و در مکانی مشخص دریافت می‌کند. پیمانکار با تحمل ریسک‌های پروژه، متعهد به ارائه‌ی خدمات مالی و فنی در قالب انجام فعالیت‌های اکتشاف، توسعه، استخراج و بازاریابی است (هنریچ و دیگران، ۲۰۰۲). در مقابل، طرف اول متعهد است که با آغاز تولید تجاری، سهمی از آن‌را بابت جبران ریسک و خدمات، به پیمانکار پرداخت کند. از لحاظ نظری، مشارکت در تولید نوعی قرارداد خدماتی (خرید خدمت) است که سهم پرداختی به شرکت نفتی، نوعی پرداخت (دستمزد) می‌باشد که از جانب دولت به آن شرکت در نقطه‌ی صادرات انجام می‌پذیرد [۵]. بر این اساس، ماهیت مشارکت در تولید را نمی‌توان نوعی امتیاز دانست؛ چراکه در امتیاز، تمامی نفت تولیدی و همچنین وسایل و تجهیزات، تحت مالکیت شرکت است. اما در مشارکت در تولید تمامی نفت تولیدی و تجهیزات تحت مالکیت دولت است. علاوه بر این در امتیاز، قدرت دولت در نظارت بر شرکت نفتی محدود است ولی در مشارکت در تولید، شرکت نفتی تحت کنترل دولت فعالیت می‌کند. مشارکت در تولید نوعی مشارکت هم

نیست؛ چراکه اولاً ریسک عدم اکتشاف بر عهده‌ی شرکت است و دوم آنکه در صورت موفقیت پروژه تمامی هزینه‌ها توسط دولت پرداخت می‌شود (مستهلک می‌گردد) و پیمانکار در پایان قرارداد هیچ‌گونه هزینه‌ای پرداخت نخواهد کرد. سوم اینکه تمامی نفت تولیدی در مالکیت دولت است و شرکت نفتی هیچ‌گونه مالکیتی بر آن ندارد. چهارم آنکه سهم استحقاقی شرکت نفتی، از نوع مالکیت نیست بلکه این استحقاق، نوعی حق دینی است که به موجب آن دولت متعهد است بخشی از نفت تولیدی را به شرکت پرداخت کند. شرکت نفتی بر استحقاق خود هیچ‌گونه حق عینی ندارد. زیرا تحقق اقتدار وی بر نفت تولیدی، منوط به پرداخت دولت است و قبل از پرداخت، شرکت حق هیچ‌گونه تصرف مستقیم، تقدم و تعقیب نفت تولیدی را ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۴). به نظر می‌رسد مشارکت در تولید نوعی قرارداد پیمانکاری است که بی‌شبهت به عقد اجاره‌ی اشخاص قانون مدنی یا جعاله نیست [۱] ولی تطبیق این دو نیاز به بررسی دقیق‌تری دارد که از حوصله‌ی این مقاله خارج است.

در پایان باید گفت که در ترتیبات قرارداد خرید خدمت، علاوه بر مشارکت در تولید، قرارداد خدماتی ریسک‌پذیر نیز وجود دارد که تفاوت بنیادینی با مشارکت در تولید نداشته، تنها در موارد فرعی و رژیم مالی متفاوت است. به عبارت دیگر در قرارداد مشارکت در تولید، پرداخت به شرکت به صورت کالاست ولی در قراردادهای خدماتی ریسک‌پذیر، پرداخت نقدی است [۱۰].

۲- ساختار مالی قرارداد مشارکت در تولید

یکی از مهم‌ترین بخش‌های قراردادهای نفتی، رژیم مالی است. رژیم مالی از کشوری به کشور دیگر تغییر می‌کند. زیرا شروط مربوط به رژیم مالی، اختصاصی است و

بر اساس مذاکرات طرفین تنظیم می‌شود (جانسون، ۱۹۹۴). در قراردادهای مشارکت در تولید، رژیم مالی نقش به‌سزایی در موفقیت قرارداد و ابراز رضایت از آن دارد. بسیاری از نگرانی‌ها در مورد قرارداد مشارکت در تولید با طراحی صحیح سود و ریسک در رژیم مالی مرتفع می‌شود. در رژیم مالی باید به دنبال روشی بود که در عین حداکثرسازی سود، به جذب سرمایه‌گذار خارجی نیز توجه داشته باشد. یکی از مشکلات امروزی صنعت نفت کشور بی‌توجهی به جذب سرمایه‌ی خارجی و تلاش برای حداکثرسازی سطح درآمد است. بی‌توجهی به معیار تناسب سود و ریسک، موجب شده هم‌اکنون در پارس جنوبی، قطر چندین برابر ایران درآمد کسب کند. رژیم مالی مشارکت در تولید به قبل و بعد از تولید تجاری تقسیم می‌شود.

۱-۲- رژیم مالی قبل از تولید

در این مرحله تراز مالی پروژه منفی بوده و تأمین مالی بر عهده‌ی شرکت نفتی است. هزینه‌های قبل از تولید به هزینه‌های قبل و بعد از انعقاد قرارداد تقسیم می‌شود. هزینه‌های قبل از انعقاد قرارداد شامل مواردی است که از انعقاد یادداشت تفاهم تا انعقاد قرارداد بر پیمانکار تحمیل می‌شود. ویژگی بارز این نوع هزینه‌ها غیرقابل استرداد بودن آنهاست [۲۳]. مبالغی که شرکت نفتی برای خرید اطلاعات زمین‌شناسی و ساختار سازه‌های منطقه به‌منظور تخمین ریسک خود به دولت پرداخت می‌کند از این قبیل است. اگرچه این هزینه‌ها غیرقابل استرداد است ولی در برخی مدل‌ها در اندونزی این هزینه‌ها جزء هزینه‌های قابل استرداد تلقی شده است [۷]. هزینه‌ی خرید اطلاعات معمولاً ۱۰ تا ۷۵ هزار دلار است (جانسون، ۱۹۹۴).

دسته‌ی دوم، هزینه‌های پس از انعقاد قرارداد می‌باشد که بخشی از آن، هزینه‌های پرداختی به دولت است و بخش بزرگی از آن

نیز صرف عملیات پروژه می‌شود. پرداختی‌ها به دولت شامل سه گروه است؛

۲-۱-۱- اجاره

شرط اجاره عمومیت ندارد ولی در برخی مدل‌ها، شرکت باید دو نوع اجاره به دولت پرداخت کند. یکی اجاره‌ی ناشی از تصرف منطقه‌ی تحت قرارداد (کردستان، ۱۶) که علاوه بر آن اجاره‌ی املاک شخصی نیز بر عهده‌ی پیمانکار است و دیگری اینکه اگرچه در بیشتر قراردادهای مشارکت در تولید، شرکت می‌تواند مجاناً از وسایل و تجهیزات استفاده کند [۲۶]. ولی در برخی مدل‌ها در اندونزی دولت باید بهای استفاده از این خدمات را در مرحله‌ی توسعه پرداخت نماید [۱۵]. نکته‌ی قابل توجه آن است که هر دو نوع اجاره‌ی پرداختی جزء هزینه‌های قابل استرداد است (کردستان، ۱۶). به نظر می‌رسد ماهیت این پرداخت، اجاره نباشد و بهتر است آن را جریان فوری در آمدی برای دولت دانست که هدف آن علاوه بر منتفع شدن زود هنگام دولت، نوعی تضمین حسن‌عمل پیمانکار است.

۲-۱-۲- بوناس

بوناس در لغت به معنای پاداش، سود قرضه، پرداخت اضافی و حق امتیاز ترجمه شده ولی در اصطلاح، نوعی جریان درآمدی فوری برای دولت است که در مراحل مختلف توسط پیمانکار پرداخت می‌شود. در قراردادها سه نوع بوناس دریافت می‌شود. نخست بوناس امضاء که پس از امضاء و تأیید قرارداد اخذ می‌شود و مبلغ آن یک تا پنج میلیون دلار است [۷]. دوم بوناس اکتشاف که پس از کشف تجاری و تصویب برنامه‌ی توسعه توسط پیمانکار پرداخت می‌شود [۱۵]. سوم بوناس تولید که پس از آغاز تولید تجاری اخذ می‌شود. برای مثال در مدل‌های اندونزی آمده که اگر تولید به ۵۰ هزار بشکه برسد ۱۵ تا ۵۰ میلیون دلار بوناس اخذ می‌شود [۷].

۲-۱-۳- عوارض گمرکی

معمولاً پیمانکاران از پرداخت عوارض گمرکی مربوط به واردات تجهیزات معاف هستند. (لیبی، ۲۰۰۶) و این گونه عوارض تنها در موارد محدودی مثل مواردی که مشابه داخلی کالای وارداتی وجود دارد اخذ می شود [۱۵].

مخارج عملیات پروژه شامل تمامی مخارجی است که پس از تعیین بودجه‌های سالیانه، به تأیید دولت با کمیته‌ی مشترک می‌رسد. هزینه‌های پروژه به هزینه‌های اکتشاف و توسعه تقسیم می‌شود. تفاوت این دو نوع هزینه در ریسک آنهاست. به عبارت دیگر ریسک هزینه‌های اکتشاف به مراتب بیشتر از ریسک توسعه است. علاوه بر این در برخی مدل‌ها، بهره‌ی بانکی نیز در استهلاک هزینه‌های اکتشافی منظور می‌شود [۲۳]. گاهی در برخی مدل‌ها در چین و لیبی، دولت بدون تحمل ریسک، ۵۰ درصد هزینه‌های مرحله‌ی توسعه را تأمین می‌کند [۱۰]. لازم به ذکر است که هزینه‌های مازدا بر بودجه‌ی مجاز، غیرقابل استرداد است. مثلاً در مدل‌های مالزی، هزینه‌های ناشی از خرید تجهیزات بدون تأیید پتروناس، غیرقابل استرداد است [۱۰].

۲-۲- رژیم مالی پس از تولید

با آغاز مرحله‌ی تولید، تراز مالی پروژه مثبت خواهد شد. در این مرحله، هزینه‌ها کم بوده و به مواردی مثل حقوق، دستمزد و نگهداری پروژه محدود می‌شود. رژیم مالی پس از تولید بر چگونگی تسهیم درآمد، استهلاک هزینه و پرداخت مالیات متمرکز است. در رژیم مالی پس از تولید، دو روش وجود دارد.

۲-۲-۱- روش پرو

در این روش تمامی رژیم مالی پس از تولید، یک مرحله‌ای است و بر این اساس

برای استهلاک هزینه‌ها و جبران سود و ریسک، سهم مشخصی (۵۰ درصد) از کل تولید به پیمانکار پرداخت می‌شود. به دلیل عدم لحاظ قیمت نفت در سهم پرداختی (از دیدگاه دولت‌ها) و همچنین عدم تأثیر نتایج اقتصادی پروژه در سهم دولت (از دیدگاه شرکت‌ها)، این روش فراگیر نشد.

۲-۲-۲- روش اندونزی

این روش چندمرحله‌ای است و طی چند مرحله، هزینه‌ها مستهلک، نفت باقی مانده تسهیم و مالیات پرداخت می‌شود. امروزه روش اندونزی فراگیر شده است [۵]. روش اندونزی شامل چهار مرحله است:

الف) مرحله‌ی نخست: که فراگیر نبوده و در برخی مدل‌های آسیایی وجود ندارد. در این مرحله ابتدا سهمی از نفت تولیدی (۲۰ درصد) کسر می‌شود. عموماً سهم تخصیصی به‌عنوان بهره‌ی مالکانه به دولت اختصاص داده می‌شود [۴]. با این حال در ۱۹۹۳ برای نخستین بار روشی در اندونزی به کار رفت که بر اساس آن سهمی ۲۰ درصدی با عنوان تسهیم ابتدایی نفت بر اساس نرخ از پیش تعیین شده، بین دولت و شرکت نفتی تقسیم می‌شود. این تقسیم قبل از استهلاک هزینه بوده و نوعی بهره‌ی مالکانه در سهم دولت است. تسهیم اولیه، مشوقی برای کاهش ریسک پیمانکار است [۷].

ب) مرحله‌ی دوم: استهلاک هزینه است که مهم‌ترین بخش قرارداد مشارکت در تولید بوده و سهم به‌سزایی در جذابیت آن دارد. در این مرحله تمامی هزینه‌های مربوط به عملیات پروژه، هزینه‌های قبل از قرارداد و پرداخت‌های به دولت (در صورت قابل استرداد بودن) مستهلک می‌شود [۷]. در این مرحله سهمی از نفت تولیدی که نفت‌هزینه نام دارد برای استهلاک هزینه تخصیص می‌یابد. سقف نفت‌هزینه متغیر است. به عبارت دیگر در برخی قراردادها به منظور تشویق پیمانکار و کاهش ریسک او، تمامی نفت تولیدی به‌عنوان نفت‌هزینه تخصیص می‌یابد

[۵]. این در حالی است که در برخی نمونه‌های دیگر، سهم نفت هزینه، بخشی از نفت تولیدی (مثلاً ۴۰ درصد) است (آشانگ، بی‌تا). یکی از مسائل مطرح در قرارداد مشارکت در تولید، تعیین قیمت نفت‌هزینه برای استهلاک هزینه است. اگر قیمت اعلامی، بیشتر از بازارهای هدف باشد استهلاک با شکست روبرو می‌شود. امروزه برای تعیین قیمت نفت‌هزینه، معمولاً از قیمت فوب بازارهای بین‌المللی استفاده می‌شود [۱۰].

ج) مرحله‌ی سوم؛ تقسیم منافع است که پس از کسر پرداخت‌های مراحل اول و دوم، نفت باقیمانده که سود نفت^۳ نامیده می‌شود بر اساس نرخ از پیش تعیین شده بین طرفین تقسیم می‌گردد. برای تقسیم منافع دو سیستم وجود دارد. سیستم نخست تقسیم بر اساس نرخ مقطوع است. برای نمونه در مدل‌های اندونزی منافع به نسبت ۸۵ و ۱۵ درصد میان دولت و شرکت تقسیم می‌شد. سیستم دوم تقسیم بر اساس نرخ شناور است. در برخی مدل‌ها با تغییر مقدار تولید، سهم‌ها نیز تغییر می‌کنند. برای مثال در برخی مدل‌ها آمده که برای ۲۰ هزار بشکه، نسبت تقسیم ۶۰ و ۴۰ درصد است. با افزایش تولید به ۶۰ درصد، نسبت تقسیم، ۷۰ و ۳۰ هزار بشکه خواهد بود [۵].

د) مرحله‌ی چهارم: مالیات است که در مدل‌های اولیه‌ی مشارکت در تولید مطرح نبود و از سهم شرکت دولتی پرداخت می‌شد (جانسون، ۱۹۹۴). در مدل‌های جدیدتر عمدتاً مالیات بر سود شرکت در نظر گرفته شده است. البته در برخی مدل‌های نیجریه مالیات بر سود نفت در نظر گرفته شده بود. در این مدل‌ها پس از استهلاک هزینه و قبل از تسهیم منافع، سهمی از نفت (مثلاً ۲۰ درصد) به‌عنوان مالیات کسر می‌شد. در این مدل‌ها مالیات بر سود شرکت مطرح نبود [۱۳].

نتیجه‌گیری

ترجمه‌ی مناسب production sharing



بخش عمده‌ی نگرانی‌های مربوط به قرارداد مشارکت در تولید، متوجه رژیم مالی می‌باشد که این مورد نیز با مذاکره، دست‌یافتنی است. همچنین وجود ابزارهای کنترلی نظیر مالیات و تعهدات مربوط به بازار داخلی، امکان کنترل حاشیه‌ی سود شرکت نفتی بین‌المللی را فراهم می‌کند. ضمن اینکه ساختار مالی این قرارداد، طیف متنوعی از درآمدهای پایدار را در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهد. ■

مخزن، نفت تولیدی و تجهیزات مصرفی متعلق به دولت میزبان است. در قرارداد مشارکت در تولید، کشور پذیرای سرمایه با درج شروطی مثل حداقل تعهد کاری، حداقل تعهد هزینه‌ای، تعهدات مربوط به تأمین بازار داخلی، شروط حمایت از اقتصاد ملی، مشارکت داخلی، مالیات و غیره، علاوه بر آنکه کنترل کاملی بر شرکت نفتی بین‌المللی دارد، زمینه‌ی انتقال فن‌آوری را نیز فراهم می‌کند.

تقسیم در تولید است. زیرا این قرارداد، نوعی خرید خدمت است که بر اساس آن دولت میزبان در ازای ارائه‌ی خدمات فنی و مالی شرکت نفتی بین‌المللی، متعهد می‌شود پس از استهلاک هزینه‌ها، ریسک و دستمزد شرکت را در قالب پرداخت بخشی از نفت تولیدی (در نقطه‌ی صادرات) جبران کند. در قرارداد مشارکت در تولید، شرکت نفتی متعهد به اجرای تعهدات خود تحت نظارت و مدیریت دولت است. علاوه بر این، مالکیت

پانویس‌ها

¹Bonus²Cost oil³Profit oil

منابع

- [۱] امانی، مسعود (۱۳۸۹) "حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت" تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق
- [۲] فیاض‌بخش، مرجانه (۱۳۸۹) "بررسی روش‌های مختلف قراردادی در پروژه‌های بالادستی نفت و گاز با تأکید بر بند ب ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه" پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور تهران
- [۳] گروه مشاوران (۱۳۸۵) "طرح پژوهشی: بررسی الگوهای قراردادی مناسب برای تأمین مالی در بخش بالادستی نفت" دفتر همکاری‌های فن‌آوری-معاونت انرژی ریاست جمهوری
- [4] Bindermann. K (1999) "Production-Sharing Agreements: An Economic Analysis" England, Oxford Institute For Energy Studies Pub.
- [5] Blinn. K & Duval. C & Leuch. H & Pertuzio. A (1986) "International Petroleum Exploration & Exploitation Agreement" USA, Barrows Company Pub.
- [6] David. M (1996) "Upstream Oil & Gas Agreement" UK, Sweet & Maxwell Pub.
- [7] Gao. Z (1994) "International Petroleum Contracts" UK, KLUWER LAW Pub.
- [8] Johnston. D (2003) "International Exploration Economic Risk' & Contract Analysis" Oklahoma, Penwell Pub.
- [9] Johnston. D (2003) "International Petroleum Fiscal Systems & Production Sharing Agreements" USA, Pennwell Pub.
- [10] Tavern. B (1996) "Co-Operative Agreement In The Extractive Petroleum Industry" UK, Kluwer Law International Pub.
- [11] Tordo. S (2007) "Fiscal Systems For Hydrocarbons" USA, World Bank Pub.
- [12] Walde. T & Ndi. G (1994) "International Oil & Gas Investment" UK, Kluwer Academic Pub.
- [13] Adepetun.S (1995) "Production Sharing Contracts-The Nigerian Experience" [Online] Available: Wwww.Heinonline.Org.
- [14] Ashong.M "COST RECOVERY IN PRODUCTION SHARING CONTRACTS: OPPORTUNITY FOR STRIKING
- IT RICH OR JUST ANOTHER RISK NOT WORTH BEARING?". [ONLINE]. Available : Wwww.Dundee.Ac.Uk.
- [15] Fabricant. R (1975) "Production Sharing Contracts In Indonesian Petroleum Industry"[Online] Available: Wwww.Heinonline.Org.
- [16] Hammerson.M (2007)"Production Sharing Contracts: An Analysis Of Comparative Practice In Certain African Jurisdictions" Kenya, Present In UN Conference On Trade & Development- Nairobi, Stephenson Harwood Pub.
- [17] Pongsiri. N (2004) "Partnerships In Oil & Gas Production Sharing Contracts" International Journal Of Public Sector Management, Vol 17, No 5.
- [18] Mils. K & Karim. M (2010)"Disputes In The Oil And Gas Sector: Indonesia" Journal Of World Energy Law & Business, Vol. 3, No. 1
- [19] Smith. E (1992)"FROM CONCESSIONS TO SERVICE CONTRACTS "[Online], Available: Wwww.Heinonline.Org.
- [20] Vock. R (1983)"Theevolution Of The Legal Relationship Between International Petroleum Mining Companies And Host Countries"[Online], Available: Wwww.Heinonline.Org.
- [21] Groenendaal. W & Mazraati. M (2006) "A Critical Review Of Iran's Buyback Contracts " [Online] Available: Wwww.Elsevier.Com
- [22] Watson. J (1996) "Foreign Investment In Russia: The Case Of The Oil Industry" [Online], Available: Wwww.Jstor.Org.
- [23] Pwcil Group (2011) "Oil And Gas In Indonesia - Investment And Taxation Guide 4th", Indonesia, Pwc Pub (Wwww.Pwc.Com).
- [۲۴] اظهارات نورالدین موسی در <http://www.naftnews.parsiblog.com/Posts/14>
- [۲۵] اظهارات معاون سابق وزیر نفت (وحید حاجی‌پور) در <http://www.javanonline.ir/vdcfvdjww6dyma.igiw.txt>
- [۲۶] قرارداد نمونه‌ی لیبی، ۲۰۰۶، صفحه‌ی ۳۴